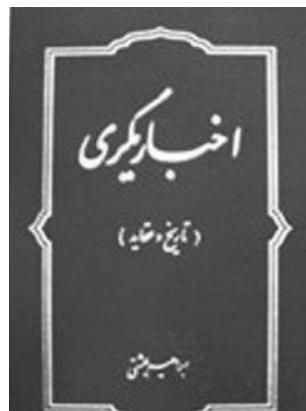


## اخباریگر

علی حیدر دارائی نیا  
کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی



اخباریگری (تاریخ و عقاید)  
نویسنده: ابراهیم بهشتی  
ناشر: قم، پژوهشکده علوم و معارف حدیث، چاپ اول، ۱۳۹۰، ۵۴۴ صفحه

کتاب اخباریگری (تاریخ و عقاید) بعد از مقدمه و پیش‌گفتار، در سه بخش کلی به عرضه‌ی مطالب پرداخته است. بخش نخست در مورد پیشینه و پیاش اخباریگری، شامل چهار فصل است. فصل اول در مورد معنا و مفهوم اخباریگری است و فصل دوم، پیاش مکتب اخباریگری را مورد بحث قرار می‌دهد. نویسنده در فصل سوم به مقایسه‌ی دیدگاه‌های اخباریان و محدثان متقدم می‌پردازد و در فصل چهارم، سرشناسان مکتب اخباری را معرفی می‌کند.

بخش دوم کتاب در مورد مبانی اخباریگری است که این بخش نیز شامل چهار فصل است: فصل اول در مورد چند مبانی مهم اخباریان بحث می‌کند و در فصل دوم در خصوص اعتبار کتب روایی، فصل سوم نیز به استنباط از ظواهر قرآن می‌پردازد و در فصل چهارم، نگاه اخباریان به سنن نبوی مورد بحث قرار می‌گیرد. بخش سوم کتاب شامل هفت فصل و مطالب آن مفصل‌تر، پیچیده‌تر و تخصصی‌تر از بخش‌های دیگر است. این بخش در مورد رویکردها و دیدگاه‌های اخباریون است. نویسنده در فصل اول به دیدگاه اخباریون در اعتقادات، در فصل دوم به نگاه اخباریون به تحریف قرآن، در فصل سوم به نگاه اخباریون به علم کلام، حکمت و منطق، در فصل چهارم به اختلافات و اشتراکات اخباریان و اصول‌گرایان، در فصل پنجم به اخباریان و اصول فقه، در فصل ششم به نگاه اخباریان به تعارض اخبار و در فصل هفتم به ریشه‌های اختلاف اخبار می‌پردازد. نویسنده در ابتدای هر بخش با مقدمه‌ای کوتاه، مطالبی کلی در مورد آن بخش عنوان می‌کند. وی در مقدمه و پیش‌گفتار به کاوش و پژوهش در تاریخ حدیث شیعه در دوره‌های گوناگون و محدثان بزرگ و میراث ماندگار آن، همچنین عناصر تأثیرگذار بر آن می‌پردازد.

نویسنده در ادامه، اخباریگری را شیوه‌ی رایج محدثان و مجتهدان بزرگ شیعه در سده‌های نخستین میلادی می‌داند که آثار آن‌ها در نوشته‌های کهن حدیثی، فقهی، کلامی و اخلاقی نموده یافته است.

مکتب اخباریگری در سده‌های یازدهم و دوازدهم هجری با ادعای پیروی از شیوه‌ی کهن عالمان شیعه، ولی با مبانی خاص، که این نظر را از شیوه‌ی محدثان قدیمی متمایز می‌ساخت، پا به عرصه گذاشت. نویسنده معتقد است مکتب اخباریگری چالش‌ها و آسبهای پیش روی مجتهدان و اصولگرایان را برطرف ساخته و آنان را قادر به تبیین دقیق و منضبط شیوه‌ی اجتهاد کرده است. کتاب پیش رو، علاوه بر بازکاوی تاریخ اخباریگری و شناساندن آراء و افکار آن‌ها، به پژوهش در مبانی اخباریگری، تقدیم می‌نماید و مقایسه‌ی آن‌ها با مبانی اصول‌گرایان و مجتهدان پرداخته است. اخباریگری، روش اجتهادی رایج در

طرفداران اجتهاد به مرکزیت بعد او همچنان در تضاد آراء فعالیت می‌کردند. نویسنده نیازهای جدید در عرصه‌های دین (فقه، تفسیر، عقاید، اخلاق و...) را موجب غلبه متكلمان بر دیگر مکاتب معرفی می‌کند و شیخ مفید و دیگر متكلمان سده‌ی چهارده هجری را واسطه‌ی انتقال از فقه خبری به فقه استدلای می‌داند. متكلمان به تدوین علم اصول پرداختند تا جایی که اگر حدیث را خلاف عقل می‌دینند، آن را مردود می‌دانستند.

یکی از دستاوردهای شیعیان در سده‌های پنجم تا دهم، تدوین اصول فقه بود. شهید محمدباقر صدر مهم‌ترین عامل پیدایش اخباریگری را پیدا شدن علم اصول بعد از عصر غیبت می‌داند از آن جا که اصول فقه به صورت علمی مدون ابتدا در بین اهل سنت پیداشد، اصول فقه شیعه نیز در بین اخباری‌ها وجهه‌ی سنی گری پیدا کرد. علت تقدیم زمانی اصول در بین اهل سنت این است که آن‌ها زودتر دچار فقدان نص شدند و به قواعد اصولی برای استنباط احکام شرعی احتیاج پیدا کردند ولی فقدان نص برای شیعیان، بعد از عصر غیبت پیدا شد (ص. ۵۵).

شهید صدر فقه امامیه را دارای مراحل ذیل می‌داند:

۱- الترام به نص؛ شامل زمان ائمه(ع) و دوران غیبت صغیری تا اولیل غیبت کبری است که محتوای کتب فقهی، گونه خاصی از احادیث بوده و چیزی جز نص در آن‌ها یافت نمی‌شد.

۲- حذف سند: این مرحله از اولیل غیبت کبری شروع می‌شود و فقهاء ضمن حفظ الفاظ روایات، کم‌کم اسناد آن‌ها را در فتاوی خویش حذف کردند.

۳- عبور از لفظ حدیث: در این مرحله فقهاء علاوه بر حذف اسناد، کم‌کم الفاظ روایات را هم در فتاوی خویش حذف کردند.

اصحاب ائمه(ع) احادیث را که از آن‌ها می‌شنیدند، در نوشته‌هایی به نام اصل ثبت می‌کردند که از آن میان، چهارصد اصل مورد اعتماد شیعیان بود و ملاک آن‌ها در عقاید و اعمال به شمار می‌رفت. این چهارصد اصل معتبر تا زمان مؤلفان کتب اربعه نیز در دسترس بود و احادیث کتب اربعه را از همان چهارصد اصول گرفته‌اند. نویسنده در ادامه به زمینه‌های اجتماعی پیدایش اخباریگری می‌پردازد. وی تفکر شیعه را تازمان خویش به دو تفکر «أصول» و «خبری» تقسیم کرد و اصطلاح «اصولیان» را برای متكلمان و اصطلاح «خبری» را برای اهل حدیث به کار برده. مهم‌ترین زمینه‌های اجتماعی و سیاسی برای بازگشت نص‌گرایی به جامعه، امامیه اهل حدیث بودند که ثمره‌ی آن‌ها، پیدایش مکتبی به نام اخباری بود. «متکلمان» یا «کدامیه» در مباحث اعتقدای دلایل عقلی را معتبر می‌دانستند و حتی به اعتبار عقل، در اعتبار ظهور روایات تصرف می‌کردند. اصحاب رای نیز برخلاف اهل سنت در میان شیعه بسیار کم شمار بودند. اصحاب حدیث تنها به روایات استناد می‌کردند. در میان اصحاب حدیث گروهی با گرایش شدید به نص و افراد در تبعید به ظاهر نصوص نیز بودند که «خشوبیه» خوانده می‌شدند. آن‌ها در نقل اخبار منضبط در بی جماعت احادیث و روایت کردن آن‌ها بودند. معرفت‌شان نسبت به محتوای احادیث، کم بود و کمتر در مضمون احادیث تدبیر می‌کردند.

نویسنده در ادامه سرانجام کار اخباریون در سده‌ی سیزدهم را جریانی سی تندتر از نسل پیش معرفی می‌کند و رویکرد افراطی آنان را موج دوم اخباریگری می‌داند. برخوردهای توهین‌آمیز با فقهاء مکتب اجتهاد، عقایدی عقل‌ستیز و حرام دانستن امکانات دنیای جدید، از ویژگی‌های بارز این گروه از اخباریون بوده است که البته همین تندروی‌ها بود که زمینه‌ی برافتادن مسلک اخباریگری

حوزه‌های علمیه شیعه را مورد انتقاد قرار داده و به مخالفت با هواداران شیوه‌ی اجتهاد پرداخته است.

نویسنده پیداوارندگان و بزرگان اخباری را معرفی کرده و عقاید آن‌ها را بررسی می‌کند و پس از آن، به واکاوی اختلافهای موجود در عقاید اصولگرایان و اخباریان می‌پردازد.

در بخش اول که در مورد معنا و مفهوم اخباریگری است، نویسنده تعاریف مختلفی از اخباریون و مکتب آن‌ها ارائه می‌کند. وی اکثر اخباریون نامدار را فقیه معرفی می‌کند و مهم‌ترین دغدغه‌ی فقهاء را حجیت عقل و حدیث می‌داند. وی اخباریون را گروهی می‌داند که به پیروی از اخبار و احادیث اعتقدای داشته‌اند و روش‌های اجتهادی و اصول فقه را نامی‌پذیرفتند. ایشان اخبار اهل بیت را مأخذ اساس عقاید و احکام دین می‌دانند و به سایر اسناد و مدارک قطب در صورتی که با احادیث ائمه(ع) منافقی نداشته باشند و تأیید شده باشند، استناد می‌کنند و در موارد شک، عمل به احتیاط نزد آنان واجب است. در مقابل اخباریون، اصول گرایان قرار دارند که احکام را از کتاب سنت اجماع و عقل استنباط می‌کنند و در موارد شک، به اصول علمیه اربعه عمل می‌کنند. اخباریون تنها به اخباری عمل می‌کنند که از ناحیه‌ی اهل بیت(ع) رسیده باشند.

نویسنده در چکیده‌ی تعاریف خود از اخباریون عنوان می‌کند که منظور از اخباریه، فرقه‌ای از علمای امامیه در دوران متأخر است که با استناد به روش و عمل سلف صالح (محدثان و حدیث‌گرایان)، اخبار اهل بیت را متأخر در عقاید (حتی در اصول دین)، اخلاقیات و احکام شرعی می‌دانند و به روش‌های رجالی متأخران، به ویژه آن‌چه مبانی جز عقل نداشته باشند، به دیده‌ی اعتقدای نگرد و در استنباط احکام، اصول فقه را به گستردگی اصولیان به کار نمی‌برد.

در بخش اول و در فصل دوم، نویسنده به پیدایش مکتب اخباری می‌پردازد. وی به ادعای خود اخباریون، این مسلک را اختراع ایشان نمی‌داند و آن را دارای سایقه‌ای کهنه در روزگار اصحاب ائمه تا اولیل دوره‌ی غیبت می‌داند. در مقابل اخباریون، بسیاری از اصول گرایان و مجتهدان، دیرینگی مکتب اخباری را نمی‌پذیرند و شیوه‌ی محدثان گذشته را با شیوه‌ی اخباریون متفاوت می‌پندازند و به وجود اورنده‌ی مسلک اخباریون را محمد امین استرآبادی می‌دانند.

نویسنده در ادامه به تفاوت میان اخباریون کهنه و متأخر می‌پردازد. اخباریون در خصوص دیرینگی مکتب خویش به دلیل تمسک می‌جوینند:

۱- وجود گروهی همنام: علمای اهل سنت و بزرگان شیعه در سده‌های نخستین اسلامی، لفظ اخباری را برای گروهی خاص به کار برداختند.  
۲- عقاید همسان: اخباریون بر این باورند با بررسی عقاید محدثان سده‌های نخست هجری این نتیجه به دست می‌اید که اعتقدات مسلمانان، همان عقاید محدثان و اخباریون کهنه است. بنابراین اخباریون نکته‌ی تازه‌ای نگفته‌اند و این اصول گرایان هستند که روش قدمای شیعه را ترک کرده‌اند و به پیروی از عame پرداخته‌اند.

نویسنده در ادامه‌ی این فصل به برخی از فقیهان متكلم در عصر حضور ائمه(ع) اشاره کرده و به بررسی شخصیت و آراء افکار ایشان می‌پردازد، از جمله: زواره بن اعین، محمد بن مسلم، جمیل بن دراج، هشام بن حکم، یونس بن عبدالرحمن و فضل بن شاذان.

نویسنده نزاع متكلمان و عقل‌گرایان با گروه محدثان و سنت‌گرایان را که اخباریان نیز در کنار اهل حدیث قرار گرفته بودند، در زمان غیبت صغیری و ابتدای غیبت کبری همچنان پابرجا و استوار می‌داند و اهل بیت با مرکزیت قم، در مقابل

# أخباریگر

نویسنده به پیدایش مکتب اخباری می‌پردازد. وی به ادعای خود اخباریون، این مسلک را اختراع ایشان نمی‌داند و آن را دارای ساقه‌ای کهن در روزگار اصحاب ائمه تا اوایل دوره‌ی غیبت می‌داند

و آثار آن‌ها سعی کرده اعتدال یا تندروی آن‌ها را مشخص کند. این افراد عبارتند از: نظری، ملا عبدالله شوشتری اصفهانی، میرزا محمد استرآبادی، محمد امین استرآبادی، محمد قلی قزوینی، شیخ عبد‌علی حوزی، ملا محسن فیض کاشانی، آقا رضی قزوینی، سید میرزا جزايری، ملا محمد طاهر قمی، سید هاشم جزايری، شیخ حرامی، سید عاملی، سید هاشم بحرانی، علامه مجلسی، سید نعمت‌الله جزايری، شیخ سلیمان بحرانی، شیخ عبدالله سماهیجی، سید صدرالدین غمی، شیخ یوسف بحرانی، میرزا محمد اخباری و شیخ حسین بحرانی.

نویسنده در بخش دوم کتاب به مبانی اخباریگری می‌پردازد و اخباریگری را به طور کلی یک روش تحقیق همانند روش اصولی می‌دانند که به لحاظ اهمیت اختلافی با هم ندارند. نویسنده در فصل اول از بخش دوم، به بیان چند مبانی فکری اخباریان پرداخته که اخباریان تمام مباحث و روی کردھای خود را بر اساس آن استوار ساخته‌اند. این مبانی عبارتند از:

۱- وجود حکمی الهی در هر چیز؛ به اعتقاد اخباریون هر واقعه‌ای که تارویز یامت برای امت اسلامی پیش بیاید، حکم معینی دارد و خداوند آن را در قرآن نازل کرده و برای رسولش بیان نموده است. اخباریان در این باره به آیاتی از قرآن و روایات پیامبر و اهل بیت استششهاد کرده‌اند. البته ملا احمد نراقی مخالف این دیدگاه اخباریون است و عنوان می‌کند هر آن‌چه حکمی داشته، رسول خدا حکمش را بیان کرده است. نه این که هر چیزی حکمی داشته باشد.

۲- فقیت حکم الهی در هر چیز؛ پذیرش این که هر چیز حکمی واقعی از سوی خداوند دارد و همچنین این که هر چیزی، حکم معینی هم برای امت اسلامی دارد.

۳- لزوم یقین به احکام شرعی؛ اخباریون معتقدند ما برای دریافت حکم معین هر چیزی، دلیل قطعی داریم و جایی برای تمسمک به دلیل ظلی باقی نمایند. اصولیان کاملاً با این تفکر مخالفت می‌کرند و معتقدند اگر هر واقعه‌ای حکم معینی نیز داشته باشد دلیل آن حکم، قطعی نیست بلکه دلیلی ظاهری است.

۴- لزوم کسب یقین از طریق اهل بیت؛ اخباریان پس از اعتقاد به لزوم کسب یقین در حکم شرعی، ادعایی کنند که قطع و یقین، تنها هنگامی معتبر است که از راه روایات ائمه‌ی معصومین به دست آید، چه اخبار متواتر و چه اخبار آحادی که همراه با قرائناً حالی و مقالی باشد.

نویسنده در ادامه کتاب به پاسخ اصولیان به مبانی فکری اخباریون پرداخته است؛ ابتدا دیدگاه اصولیان را درباره‌ی یقین با حکم شرعی بررسی کرده و سپس به پاسخ اصولیان به دلایل نهی از ظن و نازگیر بودن عمل به ظن از دیدگاه اصولیان می‌پردازد و در آخر این فصل به دیدگاه اصولیان درباره‌ی احتیاط و

را فراهم کرد. برای نمونه، میرزا محمد اخباری علاوه بر قلیان (و همه‌ی دخانیات) قهوه را نیز حرام دانست.

رواج اخباریگری در سده‌های یازدهم تا سیزدهم قمری بیشتر در شهرهای مذهبی ایران و عراق و نیز در بحرین و هندستان بوده است. مهم‌ترین مرکز و پایگاه اخباریگری در ایران، قزوین بود.

امروزه تنها جایی که اخباریگری به شکل آشکار در آن دیده می‌شود، برخی مناطق خوزستان از جمله خرمشهر و آبدان است.

در بخش اول و در فصل سوم، نویسنده به مقایسه‌ی دیدگاه‌های اخباریان و محدثان متقدم می‌پردازد. با مراجعه به آثار روایی و کتب حدیثی درمی‌یابیم که اخباریون به درستی ادعایی کنند که محدثان امامی در سده‌های نخست اجتهد تقليید را نفی کرده‌اند، چنان‌که سید مرتضی و دیگر اصولیان آن عصر نیز آنان را مخالف اجتهد معرفی کرده‌اند و ابوسعید احمد بن خالد بر قرقی و کلینی و شیخ صدق نیز رای و اجتهد و تقليید را باطل دانسته‌اند. توضیح این که متکلمان و کسانی چون سید مرتضی و شیخ طوسی، خود اهل استدلال عقلی بوده‌اند پس رد اجتهد از سوی آنان، ناظر به اصطلاح رایج میان اهل سنت است، یعنی همان «اجتهد رای» که اهل بیت نیز آن را بسیار نکوهش کرده‌اند.

نویسنده در بخش اول و در فصل چهارم به سرشناسان و افراد برجسته‌ی مکتب اخباری، رویکرد آن‌ها و آثار و تأثیفات این شخصیت‌ها می‌پردازد. نویسنده این‌داده اخباریان را به سه گروه تقسیم می‌کند:

گروه اول را اخباریونی می‌داند که راه و رسم اخباریگری را با تمام جوابش پذیرفتند و به رونق مکتب اخباریگری پرداختند؛

گروه دوم را اخباریون میانه‌رو یا معتدل معرفی می‌کند که آموزه‌های اخباریان را تنها در حد گرایش به اخبار پذیرفتند و با میانه‌روی خویش، از تیزی حملات اصولیان به این مکتب کاستند؛

و گروه سوم را اخباریان تندرو معرفی می‌کند که با طعن و بدگویی از اصولیان، از هیچ کوششی برای بی‌اعتبار ساختن اندیشه و مبانی آنان فروگزار نبودند. مؤسس اخباریون تندرو ملا محمد امین استرآبادی است.

بزرگان مکتب اخباریگری همگی پیرو میانه‌روی در افکار خویش بودند و هر چند در اعتقاد به مبانی اخباریگری استوار بودند اما هیچ‌گاه به طعن و بدگویی از مخالفان خود نمی‌پرداختند و اختلافات نظر را می‌پذیرفتند. بی‌تردد مدارا و میانه‌روی این افراد بود که باعث شد تفکر اخباریون ماندگار شود و به عنوان مکتبی در درون شیعه‌ی امامیه باقی بماند و فرقه جدیدی تأسیس نشود.

نویسنده در ادامه به ذکر نام و بررسی آرا و دیدگاه گروهی از اخباریون سرشناس می‌پردازد که در میان دو طیف تندرو و میانه‌رو جای دارند. وی با بررسی دیدگاه

در فصل پنجم از بخش دوم، نویسنده به جایگاه عقل در نزد اخباریان، کارآبی عقل در اعتقادات، کارآبی عقل در احکام فقهی، اقامه‌ی دلیلی عقلی در احکام شرعی، تقسیم حکم عقل به قطعی و غیرقطعی، دلایل اخباریان بر حجت عقل بدیهی، دلایل بی‌اعتباری عقل در احکام شرعی، ارزیابی اختلافات در حجت عقل، اخباریان و ملازمه‌ی حکم عقل و شرع، دیدگاه اخباریان درباره‌ی حسن و قبح عقلی و ملزمۀ از دید اخباریان می‌پردازد.

بخش سوم کتاب در مورد رویکردها و دیدگاه‌های اخباریان است. در فصل اول، دیدگاه اخباریان در اعتقادات بررسی شده است. نویسنده در بحث گونه‌شناسی عقاید، عقاید راز لحاظ مستندات و دلیل اثبات، یا اصلی و اولیه می‌داند، یا فرعی و ثانویه.

برخلاف اخباریان، متکلمان و مجتهدان شیعه، عقیده دارند که در اصول دین و به ویژه خداشناسی، تنها علم و یقینی معتبر است که از روی فکر و نظر باشد. یکی از مهم‌ترین ابراهدایی که به شیوه‌ی متکلمان در استدلال عقلی وارد شده، مبتنی بر این ادعایست که تعارضات و اختلافات بسیاری در آراء و فتوای ایشان وجود دارد و اخباریان، همین را نشانه‌ی بی‌اعتبار بودن روش‌های عقلی آنان دانسته‌اند. اگر اختلافات در اصول عقاید باشد، پذیرفتی نیست و توجیهات مطرح شده در احکام اعتباری در اینجا به کار نمی‌آید.

نویسنده در ادامه‌ی این فصل به دلایل حجت در عقاید روایات در اصول دین و دلایل عدم جواز تقلید در عقاید می‌پردازد.

در فصل دوم، نگاه اخباریان به تحریف قرآن موضوع بحث قرار می‌گیرد. تحریف، بدین معنا که در مکان آیات، جایه‌جایی رخ داده باشد (یعنی آن‌چه زوایر نازل شده، بعد از آیات متأخر آمده باشد). تحریف بدین معنا که چیزی بر قرآن افزوده باشند و آیه‌ای از متن موجود، از سوی خدا نازل نشده باشد، قطعاً رخ نداده است. سراسر متن قرآن، کلام الهی است و چیزی از کلام بشر به آن اضافه نشده است. نظر مشهور و معروف شیعه و علمای شیعه چنین است که متن موجود قرآن همان متنی است که بر دل رسول اکرم نازل شده و تاکنون هیچ تغییری در آن رخ نداده است. در مقابل این نظریه، گروهی دیگر از شیعیان و عامه و همچنین اخباریان متأخر به وجود نقسان در قرآن قائل هستند و به کاهش یا حذف در قرآن معتقدند.

در فصل سوم نگاه اخباریان به علم کلام، حکمت و منطق بررسی شده است. اخباریان منطق رانه مطلقاً مهم دانسته‌اند و نه مطلقاً آن را قبول کرده‌اند، بلکه بین عدم خطا در صورت و احتمال خطا و اشتباه در مورد قیاسات و مبادی آن‌ها تفصیل قائل شده‌اند.

نویسنده در ادامه به دیدگاه مجتهدان تندرو و محافظه‌کار در مورد منطق می‌پردازد. وی یکی از جلوه‌های مخالفت اصحاب حدیث و اخباریان با بحث‌های عقلی را نکوهش آن‌هاز علم کلام می‌داند. در ادامه به نظریات اخباریان و پاسخ متکلمان در مورد علم کلام می‌پردازد و پس از آن، دیدگاه برخی علماء و مجتهدان از جمله شیخ صدوق، شیخ حر عاملی و بزرگان اهل حدیث را در مورد علم کلام بررسی می‌کند.

دیدگاه و نظر اخباریون در مورد حکمت و فلسفه، بخشی دیگر از موضوع مطرح شده است. اخباریان با روش‌های عقلایی و منطقی که اساس آن از حس دور بودن، مخالف بودن و علم فلسفه و حکمت الهی و طبیعی را داخل در علومی می‌دانستند که مواد آن از حس دور است و قواعد منطق در این علوم، بازدارنده از خطای نیست. در دامه به دیدگاه دو تن از بزرگان اخباری، یعنی شیخ حر عاملی و

پرهیز از شباهت اشاره می‌کند و به ارزیابی اختلافات میان اخباریون و اصولیان می‌پردازد.

نویسنده در ادامه‌ی بحث در فصل دوم از بخش دوم کتاب، به اعتبار کتب روایی از دیدگاه اخباریون می‌پردازد و عنوان می‌کند که بر پایه‌ی دیدگاه مشهور میان اخباریان، کتب اربعه‌ی شیعه (الكافی، کتاب من لا يحضره الفقيه، تهذیب الأحكام و الاستبصار) به یقین از موصومین صادر شده‌اند و به اصطلاح قطعی الصدور هستند.

نویسنده در ادامه با ذکر دو مقدمه به دلایل صحت کتب اربعه از نظر اخباریون می‌پردازد.

مقدمه‌ی اول، قطع به صحت منابع است و این که نویسنده‌گان کتب اربعه، احادیث خود را از منابع معتبری گرفته‌اند که احادیث آن‌ها قطعی الصدور بوده است.

دلایل صحت اصول و قطع به صدور روایات از طرف موصومین: ۱- اعتماد قطعی قدما به اصول چهارصدگانه؛ ۲- اسناد قطعی اصول به مؤلفان؛ ۳- اعيار قطعی مؤلفان؛ ۴- دقت شیعیان در شناسایی احادیث جعلی.

نویسنده در مقدمه‌ی دوم عنوان می‌کند که صحابان کتب اربعه به اصول چهارصدگانه دسترسی داشته‌اند و سپس به ذکر شواهد و証ایان این ادعای می‌پردازد. اصولیان و گروهی از اخباریون، قطعی الصدور بودن اخبار کتب حدیثی و حتی کتب اربعه را نمی‌پذیرفتند و معتقد بودند اعتماد کردن به آن‌ها به شناخت حال روایات و خصوصیات سلسله‌ی سندشان احتیاج دارند. اصولیان در جواب دیدگاه اخباریون در مورد صحت کتب اربعه به دلایل زیر معتقد بودند:

۱- قطع هر کسی، تنها برای خودش است؛

۲- قطعی نبودن اصول، نزد صحابان کتب اربعه؛

۳- نقل احادیث از غیر موصوم؛

۴- خدشه در شهادت مؤلفان کتب اربعه؛

۵- خدشه در توافر کتب اربعه؛

۶- اقتضای فرآیند استنباط؛

۷- خدشه در اعتبار اصحاب اجماع؛

۸- تصریح پیشینیان به بی‌اعتباری برخی از اصل‌ها؛

۹- اثرگذاری دروغ دروغ پردازان در آثار حدیثی.

نویسنده در ادامه به استنباط از ظواهر قرآن می‌پردازد و در مورد حجت آیات قرآن سه دیدگاه را از نظر علما و فقهای شیعه بررسی می‌کند:

۱- حجت همه‌ی آیات قرآن: این دیدگاه، ظواهر قرآن را خواه در احکام نظریه و یا اصول دین، حجت می‌دانند. به نظر آنان، هر آیه‌ی چه از نصوص قرآن باشد و چه از ظواهر آن، می‌توان به آن عمل کرد.

۲- نفی حجت در احکام نظری: دسته‌ی دوم از اخباریان، قائل به تفصیل میان احکام نظری و دیگر احکام هستند. آنان منکر حجت قرآن در احکام نظری هستند؛ یعنی آن‌چه گویای حکمی عملی است ولی از ضروریات دین نیست و باید با نظر و استدلال بدان دست یافته.

۳- نفی حجت همه‌ی آیات: این گروه، عمل به هر یک از آیات را مشروط به تأیید اهل بیت می‌دانند. آنان معتقدند که عمل به هیچ آیه‌ی از قرآن جایز نیست مگر آن که حدیثی درباره‌ی آن وارد شده باشد.

در فصل چهارم از بخش دوم، نویسنده به نگاه اخباریان به سنن نبوی پرداخته است. در این فصل، دلایل اخباریان در عدم حجت روایات نبوی و همچنین پاسخ اصولیان مطرح شده است.

علامه مجلسی در این باره اشاره می‌کند.

در فصل چهارم، اختلافات و اشتراکات اخباریان با اصولیان مورد بررسی قرار می‌گیرد عده‌ی زیادی از علمای به وسیله اخباری، فرق زیادی بین اخباریون و اصولیان قائل می‌شوند اما برخی دیگر، اختلافات را کم و نوعی نزاع لفظی می‌دانند.

در ادامه، نویسنده به ۲۶ تفاوت میان آن‌ها اشاره کرده که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- اخباریان معتقدند در احکام شرعیه، علم و یقین لازم است و ظن اعتباری ندارد اما اصولیان و مجتهدان بر این باورند که تازمانی که بتوان تحصیل علم کرده لازم است اما زمانی که تحصیل علم ممکن نباشد، باید به ظن خاص عمل کرد.

۲- اخباریون معتقدند که علم و یقین باید توسط روایت معصومین حاصل شود و از طریق مقدمات به دست نمی‌آید اما اصولیان این شرط را در علم به احکام شرعیه معتبر نمی‌دانند.

۳- اخباریون معتقدند که نباید از منابع تشریع باشد، تا بتوان با آن حکم شرعی را اثبات کرد اما اصولیان عقل را یکی از منابع تشریع می‌دانند.

۴- اخباریان ملازمه‌ی بین عقل و شروع را قبول ندارند اما به آن معتقدند.

۵- اخباریان دلیل نقلی را بر عقلی مقدم می‌دانند اما اصولیان عکس آن را قبول نارند.

۶- اخباریان معتقدند درک احکام نظری از ظواهر قرآن و آیات آن، بدون تفسیر آیات از طریق اهل بیت جایز نیست، ولی مجتهدان ظاهر آیات را حاجت می‌دانند. فصل پنجم که طولانی‌ترین فصل کتاب است، به اخباریان و اصول فقه می‌پردازد. علم اصول، قواعد و ضوابط کلی است که در طریق استنباط حکم شرعی و فرعی واقع می‌شود و تمام شریعت بر آن استوار است و کسی که اصول خود را محکم نکند، مقلد است و عالم نیست. در احکام ضروری به اجتهاد نیاز است و مجتهد باید به علم اصول آشنا باشد. اخباریون اجتهاد و تقلید از کتاب و سنت را می‌پذیرند. آن‌ها معتقدند در زمان امامان معصوم، باید به آن‌ها مراجعه کرد، اما در زمان غیبت کبری، باید به فقهای مراجعه کرد تا احکام را استنباط کنند و فقوه‌بدهند. در مورد اجتهاد و تقلید، اخباریان معتقدند اهل سنت، مؤسس اجتهاد و تقلید بوده‌اند و علمای شیعه از آن‌ها پیروی کرده‌اند.

نویسنده در ادامه به ارزیابی ادعای اخباریون در این مورد که چون پیامبر(ص) و امامان حق ندارند اجتهاد کنند، پس دیگران نیز چنینی حق ندارند، آن را اشتباه و غلط می‌داند چرا که اجتهاد، تلاش برای دستیابی به واقعیت است حال آن که پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) از واقع آگاهی دارند و با علم خبر می‌دهند، پس نیازی به اجتهاد ندارند، در صورتی که بعد از آن‌ها نیاز به اجتهاد وجود دارد. اجتهاد از نظر اکثر شیعیه امامیه و اجب کفایی بوده اما اخباریون اجتهاد را حرام دانسته‌اند. نویسنده در ادامه بحث به پنج ادله اخباریان بر عدم جواز اجتهاد

بزرگان مکتب اخباریگری همگی پیرو میانه روی در افکار خویش بودند و هر چند در اعتقاد به مبانی اخباریگری استوار بودند اما هیچ‌گاه به طعن و بدگویی از مخالفان خود نمی‌پرداختند و اختلافات نظر را می‌پذیرفتند

پرداخته و پس از آن، شش ادله از مجتهدان و اصولیان رادر جواب اخباریان مبتنی بر جواز اجتهاد ذکر می‌کند.

تقلید از دیدگاه اخباریون و ادله مجتهدان مبنی بر جواز تقلید که عبارت بودند از: آیات، روایات، سیره‌ی عقلاییه، قاعده‌ی عسر و حرج و اجماع، از موضوعات دیگر این کتاب است. در ادامه، اخباریان و موضوع تقلید از میت و این که آیا تقلید از مجتهد میت (فوت شده) جایز است یا نه و ادله‌ی عدم جواز تقلید از میت مطلقاً مورد بررسی قرار گرفته است. پس از آن، دلایل تفصیل بین تقلید ابتدایی و استمراری مورد بحث قرار می‌گیرد و سپس نگاه اخباریان بر اصل برائت و ادله مجتهدان بر برائت که شامل: آیات، اجماع، سیره، عقل و اخبار بود.

در ادامه مباحثی نظری ادله اخباریان بر توقف و احتیاط، جواب مجتهدان به ادله اخباریون، نگاه اخباریان بر توقف و احتیاط، جواب مجتهدان به ادله اخباریون، نگاه اخباریان به استصحاب در احکام شرعیه، ادله‌ی منع کنندگان حجت استصحاب، ادله‌ی اثبات کنندگان استصحاب، اخباریان و عدم حجت در مفاهیم اخباریان و عدم حجت در مفهوم مختلف، قیاس، ادله‌ی قاتلان به عدم حجت قیاس منصوص‌العله مطرح شده‌اند و در هر کدام از این مباحثت، به بررسی دیدگاه اخباری و همچنین نظرات اصولیان و مجتهدان در مورد مطالب فوق پرداخته شده است.

در فصل ششم؛ نگاه اخباریان به تعارض اخبار مورد بحث قرار گرفته است و در ادامه، به معانی تعارض و فرق آن با تراجم اشاره شده است. مرجحات تعارض، مرجحات منصوص، مرجحات غیرمنصوص، نزاع اخباریان با مجتهدان در مرجحات غیرمنصوصه و استدلال اخباریان و مجتهدان در مورد آن، تخيیر یا توقف در خربین متعارضین و تخيیر بدوي یا استمراری نیز سایر مباحث این فصل را تشکیل داده‌اند.

نویسنده در فصل هفتم به ریشه‌های اختلاف اخبار پرداخته و عنوان کرده است که ریشه‌ی تعارض و اختلاف در اخبار و روایات چیست. آیا صدور بعضی از روایات از باب تقيیه منشأ تعارض شده یا اخبار جعلی کذابان یا چیزهای دیگر ریشه‌ی تناقضی در روایات دارند. اخبار تقيیه، اخبار مجعل، نگاه اخباریان و مجتهدان به اختلاف اخبار، نگاه اخباریان و مجتهدان به علم درایه و رجال، نگاه متأخران و اخباریان به تقسیم اخبار، اعتراض اخباریان به تقسیم متأخران و پاسخ مجتهدان به اخباریان نیز از دیگر مباحثی است که در فصل هفتم بررسی شده است.

نویسنده در صفحات آخر کتاب، علل تأسیس اصطلاح جدید در حدیث را مربوط به زمان گذشته نمی‌داند و آن را به این طاووس با علاوه مجلسی متعلق می‌داند و دلایلی را از زبان شیخ بهایی مبنی بر علل تأسیس آن عنوان می‌کند و در آخر به اشکال اخباریان به علل تأسیس اصطلاح جدید در حدیث می‌پردازد و معتقد است اخباریان به وجود آمدن اصطلاح جدید خبر را به چهار دلیل نمی‌پذیرند و به بررسی دیدگاه‌های علامه مجلسی، شیخ حر عاملی، محمد امین استادیادی

# أخبار گرمه

برخلاف اخباریان، متكلمان و مجتهدان شیعه، عقیده دارند  
که در اصول دین و به ویژه خداشناسی، تنها علم و یقینی  
معتبر است که از روی فکر و نظر باشد

استفاده از لغات عربی به صورت وسیع و جمع بستن کلمات به صورت جمع عربی به جای فارسی، جا گذاشتن حروف «و»، «یه» و نیز استفاده نکردن از نشانه‌های سجاموندی، از نقاط ضعف کتاب است.

در بخش سوم کتاب، کلمات عربی و آیات زیادی استفاده شده است که هیچ‌گونه توضیح یا ترجمه‌ای از آن‌ها در هیچ‌جای کتاب دیده نمی‌شود و فقط در زیرنویس به شماره‌ی آیات و سوره‌ها اشاره شده است.

استفاده از اصطلاحات و مفاهیم تخصصی همچون: استصحاب، قیاس منصوص‌العله، مرجحات منصوص، اخبار علاجیه و اشاره نکردن به معنی اصطلاحی و لغوی آن‌ها، بخش سوم این کتاب را کاملاً پیچیده و نامفهوم کرده و فقط خواندن‌گاه مخصوص، می‌توانند از آن استفاده کنند.

صفحه‌هایی، ویرایش، نگارش، ساختار دستوری و نگارشی و مفهومی، ترتیب و توالی مطالب کتاب، تشریح و بیان موضوعات مختلف و مرتبط به خصوص در بخش اول و دوم کتاب به خوبی رعایت شده است. اما با بخش سوم متفاوت بوده و نکات نگارش و تأثیف در آن رعایت نشده است.

در این اثر بنا بر ایجاد و اختصار قرار داده شده است و نویسنده به ذکر جزئیات پرداخته است، چنان که اگر بنا بر اطباب و ذکر جزئیات نهاده می‌شد، فقط از ارجاعات زیرنویس می‌شود جلد دوم کتاب را هم نوشت.

نویسنده در ذکر تاریخ حوادث و همچنین منابع مورد استفاده، فقط از تاریخ قمری استفاده کرده است که بهتر آن بود که در مقدمه یا زیرنویس، معاذل آن را به شمسی یا میلادی می‌آورد تا خواننده در فهم و درک زمانی و انتساب حوادث دچار مشکل نشود.

نویسنده علاوه بر استفاده از پژوهش‌هایی که توسط مؤلفان جدید به چاپ رسیده، از منابع قدیمی و دست اول نیز استفاده کرده است. استفاده از ۳۴۹ عدد عنوان منبع در این کتاب، شاهدی باز بر معلومات بسیار زیاد این اثر است.

اطلاعات و مطالب این اثر کاملاً مبتنی در واقعیت، مدارک، منابع و مأخذ تاریخی بوده و هیچ‌گونه تعصب مذهبی یا انگیزه‌ی طرفداری مغرضانه در آن دیده نمی‌شود و مطالب بدون هیچ کم بازیاد شدن عنوان شده است.

چکیده، بحث، نتیجه‌گیری و واژگان کلیدی در این اثر دیده نمی‌شود و نویسنده ارجاعات داخل متن را داخل پرانتز قرار نداده است. وی حتی در مورد پیشینه‌ی تحقیق در مباحث موجود در کتاب نیز هیچ گونه توضیحی ارائه نداده است.

نویسنده می‌توانست تعداد بخش‌ها یا فصل‌های کتاب را کمتر کند و به جای سه بخش، در دو بخش و یا به جای پانزده فصل، در ده فصل مطالب را مدون سازد زیرا همه‌ی مطالب به تجویی با یکدیگر در ارتباط هستند.

و ابن طاووس می‌پردازد.

اخباریان منشاء اختلاف در روایات را تقبیه از اهل خلاف می‌دانند نه دسیسه‌ی کذب در روایات معصومین، برفرض این که منشاً اختلاف دسیسه باشد، ضرورتی ندارد که به اصطلاح جدید در حدیث پناه ببریم؛ زیرا معصومین فرموده‌اند: اگر در صحت یا سقم خبری شک دارید، آن را بر کتاب و سنت عرضه کنید. هر خبری که مطابق و موافق کتاب سنت بود، اخذ کنید و آن‌چه که مخالف است، طرد کنید. پس نیازی به اصطلاح جدید در اخبار و احادیث نیست؛ پیروی کردن از ائمه، سزاوارتر از پیروی از دیگران است.

## ارزیابی کتاب

نویسنده در این کتاب ابتدا مقدمه را آورده است بعد پیش‌گفتار، در صورتی که ابتدا باید پیش‌گفتار ذکر شود، بعد مقدمه.

نویسنده برخی مطالب کتاب را عیناً چند بار در بخش‌های مختلف کتاب، مطرح کرده است، از جمله مسائلی تقلید و اجتهاد از نظر اخباریون که هم در بخش اول، بخش دوم و هم در بخش سوم و هم در لایه‌ای مباحث گوناگون نقل شده است. مقدمه و پیش‌گفتار نویسنده هم درست همان مطالبی است که به صورت جزئی و در بخش‌های مختلف کتاب آمده است، در صورتی که مقدمه یا پیش‌گفتار باید به صورت کلی و مفهومی بیان شود. نظر به تفاوت ماهوی موضوعات تاریخی با مباحث نظری، این مباحث در یک قسمت گنجانده شده است.

از نکات قوت این کتاب آن است که نویسنده در بخش‌های اول و دوم، هر جا احساس کرده است که نکته‌ی گنج و مهمنی وجود دارد، در انتهای بحث با طرح سؤال و جواب دادن به آن، سعی در برطرف ساختن شایبه‌ها و یا نکات نامفهوم کرده است. اما در بخش سوم کتاب، از متن و لغات تخصصی رشته‌های الهیات، فلسفه، منطق... استفاده کرده است که فهم آن‌ها برای خواننده غیرمتخصص، بسیار دشوار و حتی غیر قابل فهم است. بهتر بود این مطالب به صورت ساده‌تر توضیح داده می‌شد یا معنی روان و ساده‌ی برخی کلمات و اصلاحات ذکر می‌شد.

از سوی دیگر، بهتر بود نویسنده قسمتی را به عنوان نقد منابع به کتاب اضافه می‌کرد.

از نکات قوت دیگر این کتاب، ارجاع مطالب به صورت به زیرنویس است به نحوی که خواننده هیچ مطلبی را بدون آدرس ارجاع مشاهده نمی‌کند.

در فصل دوم از بخش دوم کتاب، در قسمت دلایل صحت اصول و قطعه به صدور روایات، نویسنده به ذکر پنج دلیل می‌پردازد که متأسفانه دلیل دوم عنوان نشده است و از دلیل اول به دلیل سوم، مراجعت کرده است.